تحقیق درباره انواع Methodology

استاد احمدزاده

دانشجو محمد زارعی

نیم سال اول ۱۴۰۳

۱)TDD

توسعه مبتنی بر آزمون (TDD) یک متدولوژی برنامه‌نویسی است که در آن تست‌ها قبل از نوشتن کد اصلی نوشته می‌شوند. مراحل اصلی فرآیند TDD به صورت زیر است:

1. نوشتن تست: ابتدا توسعه‌دهنده یک تست جدید برای یک ویژگی مشخص می‌نویسد. این تست باید در ابتدا شکست بخورد، زیرا کد مربوطه هنوز نوشته نشده است.

2. اجرا و تأیید شکست تست: تست نوشته شده اجرا می‌شود تا اطمینان حاصل شود که واقعاً شکست می‌خورد.

3. نوشتن کد: سپس توسعه‌دهنده کد را می‌نویسد به گونه‌ای که تست را پاس کند. این کد باید ساده و تنها به اندازه کافی برای گذراندن تست باشد.

4. اجرا و تأیید موفقیت تست: بعد از نوشتن کد، تست دوباره اجرا می‌شود و باید این بار با موفقیت پاس شود.

5. بازنگری کد: در نهایت، کد نوشته شده بازنگری و بهینه‌سازی می‌شود در حالی که اطمینان حاصل می‌شود که تمام تست‌ها همچنان پاس می‌شوند.

این فرآیند به صورت تکراری انجام می‌شود و به بهبود کیفیت کد و کاهش خطاها کمک می‌کند.

FDD(۲

روند توسعه نرم‌افزار به روش FDD (Feature Driven Development) یک رویکرد چابک برای توسعه نرم‌افزار است که بر ویژگی‌ها یا قابلیت‌های قابل مشاهده برای کاربر تمرکز دارد. این روش از پنج مرحله اصلی تشکیل شده است:

1. توسعه مدل کلی: در این مرحله، یک مدل کلی از سیستم ایجاد می‌شود که به توسعه‌دهندگان کمک می‌کند تا درک بهتری از دامنه پروژه داشته باشند.

2. ایجاد لیست ویژگی‌ها: این مرحله شامل شناسایی و فهرست‌سازی تمامی ویژگی‌های سیستم است. هر ویژگی باید به صورت مشخص و قابل اندازه‌گیری تعریف شود.

3. برنامه‌ریزی بر اساس ویژگی‌ها: در اینجا، تیم توسعه بر اساس ویژگی‌های شناسایی‌شده برنامه‌ریزی می‌کند و اولویت‌بندی ویژگی‌ها و تخصیص وظایف را انجام می‌دهد.

4. طراحی بر اساس ویژگی‌ها: تیم طراحی برای هر ویژگی به طور خاص طرحی را ارائه می‌دهد. این طرح شامل جزئیات فنی و معماری مورد نیاز برای پیاده‌سازی ویژگی است.

5. پیاده‌سازی بر اساس ویژگی‌ها: در نهایت، توسعه‌دهندگان ویژگی‌ها را بر اساس طرح‌های ارائه‌شده پیاده‌سازی می‌کنند. این مرحله شامل کدنویسی، تست و ادغام ویژگی‌ها در سیستم اصلی است.

این روش به دلیل تمرکز بر ویژگی‌ها و ساختار منظم و تکراری، به بهبود کنترل پروژه و سرعت توسعه کمک می‌کند و باعث می‌شود محصولات نرم‌افزاری با کیفیتی بالا و مطابق با نیازهای کاربر نهایی توسعه یابند.

BDD(۳

Behavior Driven Development (BDD) یا توسعه مبتنی بر رفتار یک روش توسعه نرم‌افزار است که بر همکاری نزدیک بین توسعه‌دهندگان، تست‌کنندگان، و ذینفعان کسب‌وکار متمرکز است. هدف اصلی BDD این است که اطمینان حاصل شود نرم‌افزار توسعه‌یافته نیازهای واقعی کاربران را برآورده می‌کند. این روش از طریق تعریف رفتارهای قابل‌مشاهده سیستم به زبان ساده، به بهبود درک متقابل و شفافیت کمک می‌کند.

فرآیند BDD شامل مراحل زیر است:

1. تعریف سناریوهای رفتار: در ابتدا، سناریوهایی نوشته می‌شوند که رفتارهای مورد انتظار سیستم را توصیف می‌کنند. این سناریوها به زبان ساده و قابل فهم برای همه اعضای تیم، از جمله ذینفعان غیر فنی، نوشته می‌شوند. غالباً از قالب «Gherkin» استفاده می‌شود که شامل ساختارهایی مانند «Given-When-Then» است.

2. نوشتن تست‌های اتوماتیک: تست‌های اتوماتیک بر اساس سناریوهای تعریف‌شده نوشته می‌شوند. این تست‌ها به عنوان مستندات زنده عمل می‌کنند که نشان‌دهنده رفتارهای سیستم هستند.

3. پیاده‌سازی ویژگی‌ها: توسعه‌دهندگان کد را بر اساس تست‌های نوشته‌شده پیاده‌سازی می‌کنند. این مرحله تضمین می‌کند که کد نوشته‌شده نیازهای مطرح‌شده در سناریوها را برآورده می‌کند.

4. اجرای تست‌ها و بهبود کد: پس از پیاده‌سازی، تست‌ها اجرا می‌شوند تا اطمینان حاصل شود که تمامی رفتارها به درستی پیاده‌سازی شده‌اند. اگر تستی ناموفق باشد، کد اصلاح می‌شود تا تست‌ها موفق شوند.

5. بازبینی و بهبود مداوم: پس از پیاده‌سازی و تست، تیم به بازبینی و بهبود مستمر فرآیند توسعه و کدهای نوشته‌شده می‌پردازد.

BDD با تسهیل ارتباطات و ایجاد یک دیدگاه مشترک از اهداف پروژه، به بهبود کیفیت نرم‌افزار و کاهش خطرات مرتبط با سوءتفاهم‌ها در زمینه نیازمندی‌ها کمک می‌کند.

CDD(۴

CDD یا Context-Driven Development (توسعه مبتنی بر زمینه) یک رویکرد در توسعه نرم‌افزار است که بر اساس این ایده است که بهترین شیوه‌ها در توسعه نرم‌افزار بستگی به زمینه خاص هر پروژه دارند. این روش به جای پیروی از فرآیندها و روش‌های ثابت، تاکید بر انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط و نیازهای خاص پروژه دارد. در اینجا یک نمای کلی از فرآیند CDD ارائه می‌شود:

1. درک عمیق از زمینه پروژه: شروع فرآیند با درک کامل نیازمندی‌ها، محدودیت‌ها، و شرایط خاص پروژه صورت می‌گیرد. این شامل شناخت تمامی عوامل محیطی، فنی، و کسب‌وکاری است که می‌توانند بر توسعه تأثیر بگذارند.

2. انتخاب ابزارها و روش‌های مناسب: بر اساس درک از زمینه، تیم توسعه ابزارها، تکنیک‌ها و روش‌های مناسب برای پروژه را انتخاب می‌کند. این انتخاب‌ها بر اساس تجربه‌های گذشته، نیازهای فعلی و پیش‌بینی‌های آینده انجام می‌شود.

3. تست و یادگیری مداوم: در CDD، تست و ارزیابی مستمر بخشی حیاتی از فرآیند است. تیم توسعه به طور مداوم نتایج را بررسی و یادگیری‌های جدید را به فرآیند وارد می‌کند.

4. انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری: تیم‌ها باید آماده باشند تا فرآیندها و روش‌های خود را بر اساس بازخوردها و تغییرات در محیط پروژه تنظیم کنند. این انعطاف‌پذیری به تیم‌ها امکان می‌دهد تا به طور موثر به چالش‌ها و تغییرات پاسخ دهند.

5. تاکید بر همکاری و ارتباطات: همکاری نزدیک با ذینفعان و ارتباطات موثر در طول فرآیند توسعه، از عناصر کلیدی CDD است. این همکاری به درک بهتر نیازها و تطبیق سریع‌تر با تغییرات کمک می‌کند.

CDD با تمرکز بر زمینه خاص هر پروژه، به تیم‌ها اجازه می‌دهد تا راه‌حل‌هایی منحصربه‌فرد و متناسب با نیازهای خاص توسعه دهند که می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی پروژه کمک کند.

DS(۵

فرآیند DS (Domain-Specific Development) یک رویکرد توسعه نرم‌افزار است که بر اساس نیازها و الزامات خاص یک دامنه یا حوزه خاص طراحی شده است. این فرآیند به برنامه‌نویسی و طراحی نرم‌افزارها با توجه به ویژگی‌ها، مشکلات و فرصت‌های منحصر به فرد هر دامنه تمرکز دارد. مراحل اصلی این فرآیند به شرح زیر است:

1. تحلیل دامنه: ابتدا نیازها و الزامات خاص دامنه شناسایی و تحلیل می‌شود. این مرحله شامل جمع‌آوری اطلاعات در مورد ویژگی‌ها، کاربران و چالش‌های خاصی است که در آن دامنه وجود دارد.

2. مدل‌سازی و طراحی: بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، مدل‌ها و طراحی‌هایی خاص برای دامنه ایجاد می‌شود. این طراحی معمولاً شامل انطباق با الگوها و روش‌های استاندارد در دامنه است.

3. توسعه و پیاده‌سازی: توسعه‌دهندگان بر اساس مدل‌ها و طراحی‌های ایجاد شده، نرم‌افزار را توسعه می‌دهند. این مرحله شامل نوشتن کد، پیاده‌سازی الگوریتم‌ها و ساختار داده‌های خاص دامنه است.

4. تست و اعتبارسنجی: نرم‌افزار توسعه‌یافته به‌طور دقیق تست می‌شود تا اطمینان حاصل شود که به الزامات دامنه پاسخ می‌دهد و به درستی عمل می‌کند.

5. بازخورد و بهبود: پس از تست، بازخورد از کاربران نهایی جمع‌آوری و نقاط ضعف شناسایی شده و در صورت نیاز، نرم‌افزار بهبود و به‌روزرسانی می‌شود.

DS به توسعه‌دهندگان این امکان را می‌دهد که نرم‌افزارهای بهینه و کارآمدی را برای نیازهای خاص یک دامنه بسازند. این فرآیند می‌تواند به افزایش کیفیت، کاهش هزینه‌ها و زمان توسعه کمک کند و در نتیجه، رضایت بیشتری از سوی کاربران فراهم کند.

۶)UCD

فرآیند (User-Centered Design) UCD یک رویکرد طراحی نرم‌افزار است که بر اساس نیازها، خواسته‌ها و محدودیت‌های کاربران نهایی شکل گرفته است. هدف این فرآیند تضمین کارایی و کاربرپسندی نرم‌افزار از دیدگاه کاربر می‌باشد. مراحل اصلی این فرآیند به شرح زیر است:

1. تحقیق و شناخت کاربران: در این مرحله، طراحی‌کنندگان و محققان به جمع‌آوری اطلاعات در مورد کاربران هدف، رفتار، نیازها و چالش‌های آن‌ها می‌پردازند. استفاده از روش‌های مختلفی مانند پرسش‌نامه‌ها، مصاحبه‌ها و مشاهده‌های میدانی رایج است.

2. تحلیل نیازها: داده‌های جمع‌آوری‌شده تحلیل شده و نیازها و الزامات کاربران شناسایی می‌شود. این اطلاعات به ایجاد شخصیت‌های کاربری (User Personas) و سناریوهای استفاده کمک می‌کند.

3. طراحی و مدل‌سازی: بر اساس تحلیل‌های انجام شده، طراحی اولیه نرم‌افزار ایجاد می‌شود. این طراحی معمولاً شامل wireframes و prototypes است که به تیم طراحی این امکان را می‌دهد تا ایده‌های اولیه را تست و بهبود دهند.

4. تست و ارزیابی: نمونه‌های طراحی‌شده به کاربران نهایی ارائه می‌شود تا بازخورد جمع‌آوری شود. این مرحله شامل تست‌های کاربر (User Testing) برای ارزیابی کاربرپسندی و کارایی محصول است.

5. تکرار و بهبود: بر اساس بازخورد کاربران، طراحی‌ها و ویژگی‌ها بهینه‌سازی می‌شود. این فرآیند تکراری و با هدف افزایش کارایی و رضایت کاربر ادامه می‌یابد.

UCD به طراحان و توسعه‌دهندگان کمک می‌کند تا محصولاتی بر اساس تجربیات واقعی کاربران ایجاد کنند. این رویکرد بهبود تعامل کاربر با نرم‌افزار و در نتیجه ارتقاء رضایت و وفاداری مشتری را هدف قرار می‌دهد.

UDD(۷

فرآیند UDD یا "User-Driven Development" یک روش توسعه نرم‌افزار است که تأکید زیادی بر مشارکت فعال کاربران نهایی در کل فرآیند توسعه دارد، از طراحی و تست تا پیاده‌سازی و بازخورد. این رویکرد بر ایجاد راه‌حل‌های نرم‌افزاری کاربرمحور تمرکز دارد و با ادغام مداوم نظرات کاربران، بهبود رضایت آن‌ها را هدف قرار می‌دهد.

مفاهیم کلیدی UDD شامل موارد زیر است:

1. تحقیقات کاربری: شناسایی نیازها و چالش‌های کاربران از طریق تعامل مستقیم.

2. آزمایش پروتوتایپ: ارزیابی نمونه‌های اولیه توسط کاربران برای بهبود طراحی و عملکرد.

3. طراحی تکراری: بهبود مستمر طراحی‌ها بر اساس بازخورد کاربران.

4. توانمندسازی کاربران: کاربران می‌توانند ویژگی‌های جدید و بهبودها را پیشنهاد دهند.

مزایای این روش شامل افزایش رضایت کاربر، کاهش زمان و هزینه توسعه، بهبود قابلیت استفاده و دسترسی، و افزایش پذیرش و وفاداری است. با این حال، چالش‌هایی مانند مدیریت بازخوردهای متنوع کاربران و تطبیق آن‌ها با الزامات فنی نیز وجود دارد.